

بدو داد مهری به پیش سپاه
که سالار اویست و جوینده راه
به توران نباشد چو تو کس به جاه
به تخت و به مهر و به تیغ و کلاه

«فردوسی»

تاریخ مهر در ایران سابقه چند هزار ساله دارد. از این رو ما در این مختصر، تنها قصد آن داریم با مروری بر تاریخ مهر و هنر حکاکی در ایران به کلیاتی از آن بپردازیم و به معرفی کتاب‌های مرجع و مأخذی چند برای راهنمایی علاقه‌مندان اکتفا کنیم. باتوجه به آثار فراوان به جا مانده از ایران باستان در زمینه‌ی مهرهای استوانه‌ای، مسطح و محدب منقوش به تصاویر و خطوط میخی، اشکانی و پهلوی، می‌توان به جرأت ادعا کرد ایرانیان بیشترین سهم را در ایجاد و تکامل برگ هویت «مهر» و به عبارتی نشان یا شناسنامه در جهان داشته‌اند، که مورد توجه و تقلید ملت‌های مختلف قرار گرفته است. سرزمین پهناور ایران از دوران باستان مهد تمدن‌های گوناگون و به عبارتی نقطه‌ی تلاقی فرهنگ‌های مختلف با زبان‌های متفاوت و خط‌های متنوع بوده است و خط‌شناسی (Grammatology) به عنوان شاخه‌ای از زبان‌شناسی و یکی از ارزش‌ها و دستاوردهای عظیم انسانی محثی است بسیار گسترده که نیازمند پژوهش‌های فراوان است. در اینجا تذکر این نکته خالی از لطف نیست که «اختراع خط را به فنیقیان و اشاعه‌ی آن را به آرامیان که از آن اقوام اند نسبت می‌دهند در حالی که اسناد و مدارک به دست آمده از شوش و سی ارک و شهر سوخته نشان‌دهنده‌ی آن است که مردم این سرزمین به ویژه انسانی‌های شوش و ایذه در هزاره چهارم قبل از میلاد نه تنها خط میخی را می‌شناختند و به کار می‌بردند بلکه به موازات آن از خطی کاملاً تصویری جهت کارهای روزمره استفاده می‌نمودند»^۱ حکاکی و نقر تصاویر و خطوط مختلف در مهرها و کتیبه‌های ایران باستان با شکوه هرچه تمام‌تر متداول بوده است. علم شناخت مهرها (sigillographie) برای آشنایی با تاریخ گذشتگان و مهر به عنوان سندی معتبر و گویا همواره مورد توجه اهل تحقیق قرار گرفته است. بلاذری در فتوح البلدان از این مقفع نقل می‌کند که پادشاهان ایران پیش از اسلام مهرهای متعدد داشته‌اند: ۱- خاتم اسرار ۲- خاتم رسایل ۳- خاتم تخلید ۴- خاتم خراج. کریستین سن پنجمین مهر را برای محکمه جنایی دانسته است و در مروج الذهب نیز از چهار مهر انوشیروان سخن رفته است: انگشتر خاص مالیات با نگین عقیق و نقش عدالت، انگشتر خاص املاک با نگین فیروزه و نقش آبادی، انگشتری خاص مخارج با نگین یاقوت سرمه‌ای (کبود) و نقش تأمل و انگشتری خاص برید (چاپار) که نگین یاقوت سرخ و نقش امید یا به تعبیر دکتر همایونفرخ در مقاله «مهرها و نشان‌های استوانه‌ای در ایران باستان» نقش شتاب داشته است.^۲ علاقه‌مندان مطالعه درباره‌ی مهرهای ایران قبل از اسلام علاوه بر آن مأخذ می‌توانند به کتاب‌های:

آثار شهرهای باستانی بنادر خلیج فارس و دریای عمان^۳، باستان‌شناسی ایران باستان^۴، تاریخ آل جلابره، ایرانشهر، اساطیر ایرانی^۵، تاریخ صنایع ایران^۶ و... مراجعه کنند. ایرانیان در قرون میانه‌ی اسلامی برای اولین بار کتابت را به عرصه‌ی هنر آوردند و خالق شگفتی‌های تحسین‌برانگیزی در این زمینه شدند و خط به مرور توانست ارزشی مستقل از ادبیات بیابد، که ابداع اقلام

مشقت از خط کوفی توسط «ابن مقله بیضوی شیرازی» (۳۲۸-۲۷۲ هجری) با عنوان خطوط ششگانه محقق، ریحان، ثلث و نسخ و رفاق و تعلیق و سپس وضع نستعلیق توسط میرعلی تبریزی گواه این مدعاست. در این میان، یکی از بدیع‌ترین هنرهای مردم ایران زمین، حکاکی روی سنگ‌های سختی مانند عقیق، ذر، یشم و به ندرت زمرد و یاقوت و بعضاً شیشه و فلزاتی مانند نقره، برنز و فولاد است.

استادان حکاک، این هنرمندان مهجور زمانه ما، علاوه بر استادی در هنر خوشنویسی و درک عمیق مبانی نظری هنر تجسمی و همجواری حروف از مهارت ویژه‌ی طراحی، ترکیب‌بندی، قرینه‌سازی طغری و سپس حکاکی بهره‌مند بوده‌اند؛ چه عرصه‌ی محدود و اندک این سنگ‌ها نیاز مبرم و ویژه‌ای را می‌طلبیده است. در اهمیت هنری آن همین بس که مهر هر فردی، برگ هویت و شناسنامه‌ی او محسوب می‌شده است و برای هر شخص، مهر و سجع آن نمایانگر نسب، سلیقه، مبانی اعتقادی و جایگاه اجتماعی او به شمار رفته و مورد مباحث و افتخار صاحبان آنها بوده است. به تعبیر تاریخ بیهقی «این ملطف‌ها را به مهر جایی نهاده آید» در آن برهه و گذر تاریخی، این هنرمندان گمنام توانستند با مهارت ویژه تحسین برانگیزی بر ابعاد طول و عرض خط افزوده و بدان عمق بخشند و سطح را به حجم و نقطه‌ای را از مربع تقریبی به هرمی وارونه مبدل کنند.

گوستاولوبون، خاورشناس بزرگ فرانسوی می‌نویسد:

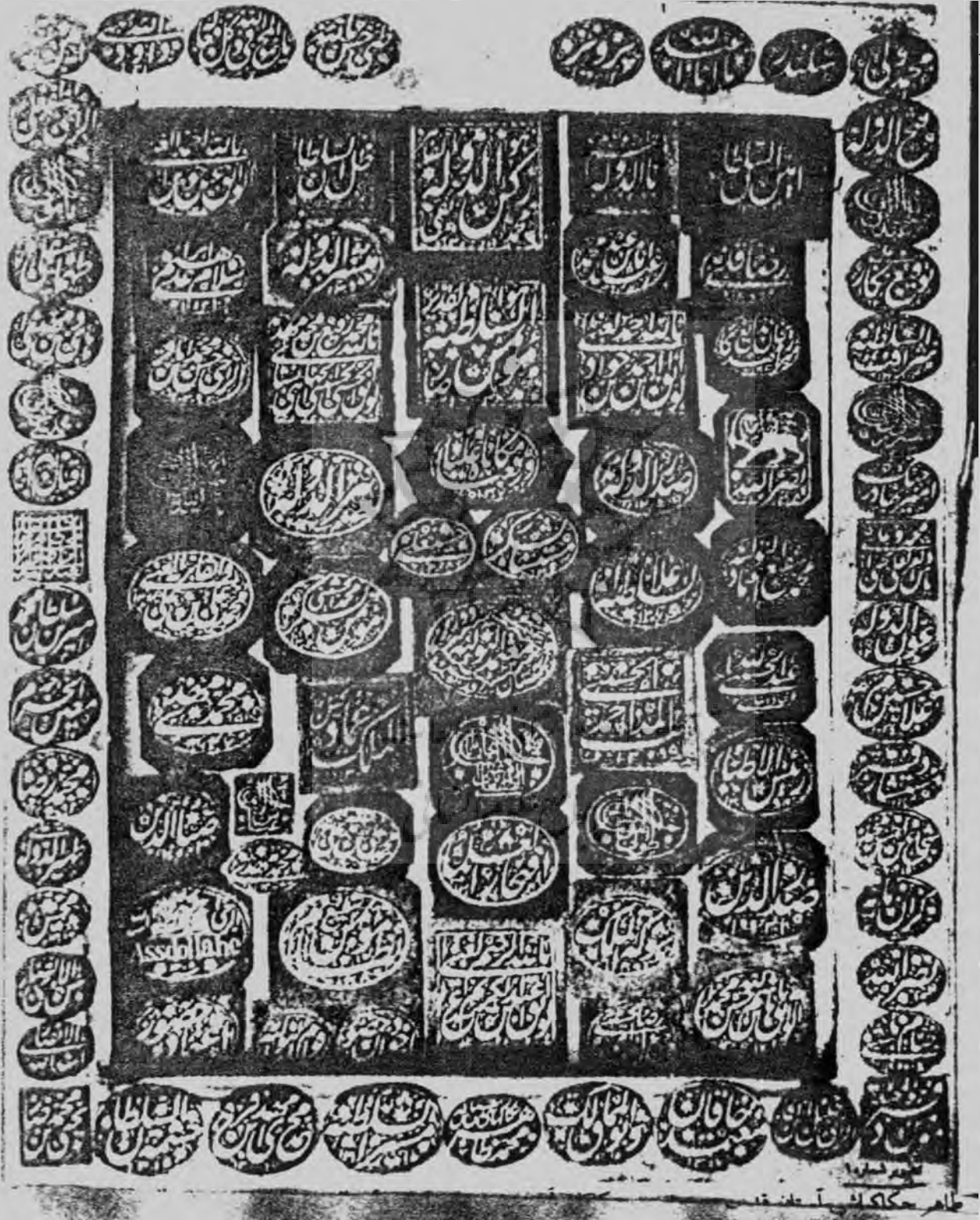
«مسلمین در عملیات متعلقه به فلزات درجه کمال را دارا بودند و در ساخت و پرداخت بعضی چیزها به درجه‌ای ماهر بودند که حتی استادان امروز هم نمی‌توانند با آنها در این فن همسری نمایند... آنها احجار کریمه را خیلی قشنگ تراشیده و روی آنها را گل و بوته نقش می‌کردند.»^۷ جای بسی تأسف است که از شرح حال و زندگی و حتی نام حکاکان پیش از قاجار اطلاع چندانی در دست نیست و زیبایی هنر آنها با گمنامی گره خورده که خود، هم درسی است تلخ و هم آموزنده؛ گویی به دلیل جاودانی و محدود نشدن هنر آنان در دایره زمان، تاریخ را یارای ثبت نام آنها نبوده است و آثار نفیس و فراوان به جا مانده، تنها راهنمای درک عظمت هنر آنان است. ما آنگاه به عمق گمنامی آنان بیشتر پی می‌بریم که متأسفانه حتی نام مشهورترین حکاک دوران قاجار، مرحوم محمد طاهر حکاک‌باشی را در «لغتنامه دهخدا» نمی‌بینیم و از صفحه ۷۰ تا ۱۱۶ جلد ۳۳ نام او را در میان نام دویست طاهر مختلف ایران و هند و ترک و عرب نمی‌یابیم و یا در همان کتاب «تمدن اسلام» گوستاولوبون (ص ۶۲۳) با کمال تعجب مشاهده می‌کنیم که در زیر تصویر مهرهای ایرانی و به ندرت هندی، عنوان «سنگ‌های محکوک ساخت عرب» درج است. متأسفانه این حقیقت، هم از دید این خاورشناس برجسته و هم از نظر مترجم، فخر داعی دور مانده است که این نارسایی‌ها رسالت و وظیفه‌ی ما را برای توجه به این میراث ارزشمند که آیین‌ی نبوغ نسل‌های پیشین است بسیار سنگین می‌نماید.

لازم به یادآوری است که مهر تنها یکی از دستاوردهای هنر حکاکی به شمار می‌رود. ساخت سر سکه‌ها و قالب‌های ضرب مسکوکات و همچنین حک ابتدایی فولاد و سنگ‌هایی چون یشم جهت طلاکوبی از دیگر کاربردهای هنر حکاکی است که «صنعت نشاندن زر و سیم بر فولاد و سنگ‌هایی چون یشم از ایران است و دیگران آن فن را از استادان ایرانی آموخته‌اند چنانچه در مصر طرز به خصوصی از این صنعت را «العجمی»

مہر

گوہری بر تارک خط و نقاشی

محمد جواد جدی



تصویر

زندگی کرد و به خلق آثار هنری بی‌بدیل در خط نستعلیق و نقر و حک و کتیبه‌نگاری و سجع و مهر و طغراسازی و ترکیب‌بندی اقدام کرده و در عصر خود بی‌نظیر بود. به نظر اغلب صاحب‌نظران، آثار مرحوم حاج میرزا حسین حکاکباشی اوج هنر حکاک‌های خطوط نستعلیق تا به امروز به شمار می‌آید، در کتاب «المآثر و الآثار» نیز آمده است که: مهر ناصرالدین شاه و بسیاری از شاهزادگان و رجال و سرسکه‌های آن دوره به دست او حک شده و لقب حکاکباشی با فرمان به نام او صادر گردیده است.

او در ۸۰ سالگی به سال ۱۲۹۰ در تبریز درگذشت. نگارنده‌ی این سطور را فقط شناس تماشای دو اثر با امضا از آن هنرمند بزرگ بود که یکی بر روی عقیق زرد و آیه ماشالله کبیر و با امضای «ح» و دیگری آیه نصر من الله و فتح قریب با امضای حسین بر روی دُر بود. تأثیر شیوه آن مرحوم و همچنین شیوه مرحوم محمد طاهر حتی در خطوط خوشنویسان نامدار چون میرزا غلامرضا و میرزای کلهر به خوبی مشهود است.

در اینجا لازم است نامی هم از هنرمند رنج دیده مرحوم میرزا عبدالحسین قالب‌تراش و حکاک ببریم که بنا بر نوشته آقای عباس سردمدی در کتاب «دانشنامه هنرمندان» خط نسخ و نستعلیق را استادانه می‌نوشته و در نقاشی و حکاک‌های معرق‌سازی استاد و مردی نکته‌دان بوده و اشعار بسیار از حفظ داشته است. وی ابتدا در یکی از حجره‌های فوقانی کاروانسرای سار و تقی دکه داشته اما کم‌کم بینایی‌اش را از دست داده و چون ذخیره‌ای نداشت چهار فقر و فاقه شده و از طرفی نابسامانی اواخر دوره‌ی قاجار و از سکه افتادن هنر، او را سخت در مضیقه مالی قرار داده است تا آنجا که استاد جلال همایی می‌نویسد گاهی کتاب‌های خود را می‌فروختم تا از پول آن بتوانم کمکی به این مجموعه کمال و هنر بنمایم و بالاخره در یکی از شب‌ها او را می‌بیند که در کنار کوچه نشسته و در تاریکی دست تکدی دارد. او می‌گوید مدت‌ها چشمم به خواب نرفت که آن پیرمرد هنرمند بارش سفید و عبا و عمامه‌ی ژولیده و مدرس را دیدم و به آنان که روزگار به عیش می‌گذرانند و هنر را به خردلی ارزش نمی‌نهند لعنت فرستادم. استاد عبدالحسین شبی از شب‌های سرد در مغازه مخروبه‌ای چشم بر این جهان بی‌ذوقان می‌بندد و صبح جنازه بی‌جان او را می‌یابند. تولد این استاد در سال ۱۲۶۴

در اصفهان و مرگش ۱۳۴۸ هجری قمری است. اکنون برای جلوگیری از اطاله مطلب فقط به ذکر نام چند هنرمند دیگر این رشته اکتفا کرده تحقیق بیشتر را با ذکر مرجع به علاقه‌مندان توصیه می‌کنیم.

مرحوم ملاعلی، ملقب به بقا، شاگرد جناب قدسی^{۱۲}

میرزا محمد علی حکاک، برادر میرزا محمود مذهب باشی^{۱۳}

میرزا نصرالله، نواده مرحوم طاهر^{۱۴}، مولانا قانع قزوینی^{۱۵}، سراج‌ای حکاک^{۱۶} - محمد تقی، حکاکباشی دربار مظفرالدین شاه (که امضاء «تقی» داشته)^{۱۷} و پسر میرزا عبدالرحیم حکاکباشی بوده^{۱۷}، میرزا عباس سازنده مهر احمد شاه و مهرهای سلطنتی^{۱۸}، محمد جعفر^{۱۹}، و مقصود مهرکن^{۲۰}.

همچنین باید از احمد دهلوی، خداداد حکاک و مولانا ابراهیم هروی، غلامعلی حکاک خراسانی، میرزا اسماعیل - علی احمد نشانی، علی تهرانی، غفور حکاک تبریزی، ابوالقاسم حکاک کرمانشاهی، حاجت قلی حکاک مراغی، شرف حکاک، شیخ حکاک، استاد عبدالعزیزین استاد شرف‌الدین تبریزی، محمد بن سانکور - محمد بن عبدالوحد هراتی و مرحوم سید مرتضی شیرازی (ذره) که از حکاکان بزرگ گذشته به شمار می‌روند به نیکی نام برد.

باید اذعان نمود حکاک‌های ثلث در زمان سلاطین عثمانی در آن کشور از رواج ویژه‌ای برخوردار بوده که آثار هنرمند بزرگ «بندریان» حکاکباشی سرای سلطان عبدالحمید و هنرمندانی چون آلتون تاش، سامی، رسا، عزمی، وفا، حقی و زکی دلیل این مدعاست.

شایان ذکر است که مهرهای بسیار زیبایی با امضای «سری» و «د» به ندرت دیده شده که اطلاعاتی از شرح حال و حتی نام آن هنرمندان در دست نیست. همچنین آثاری که به کوپال مشهور است و به درستی بر نگارنده معلوم نیست که کوپال سبک خط یا مکانی در هند و یا نام فردی است و مانند ده‌ها مطلب مجهول نیازمند کاوش است؛ هر چند حدس اخیر به واقعیت نزدیک‌تر به نظر می‌رسد که بعدها شیوه او به نام سبکی خاص متداول و مرسوم شده است. خوشبختانه این سبک به دلیل اولین خطوط برجسته‌کاری شده همواره مورد توجه استاد محمد حسین جدی بوده است. من به خوبی به یاد دارم ایشان در سال‌های ۴۹ تا ۵۱ با دوستی و صمیمیتی که با مرحوم استاد حسن میرخانی داشتند، از ایشان می‌خواستند خطوطی را در شکل‌های هندسی و عموماً بیضی به سبک حکاکان قدیم طراحی و سپس خوشنویسی کنند، که ابتدا به دلیل رعایت نکردن کرسی واحد، برای آن عزیز مشکل و دشوار می‌نمود تا اینکه آن مرحوم از والد خواستند خود طراحی و ترکیب‌بندی را به عهده بگیرند، از آن روز به بعد برای اولین بار کارهای مشترکی بر صفحه کاغذ نقش بسته و سپس بر نگین حکاک‌های شد که الحق زیباترین خطوط برجسته حکاک‌های شده تا به امروز هستند. (تصویر شماره ۲)



نامند و به زبان ایتالیایی آن را «الاگمینه» گویند.»^۱

در مورد ضرب سکه‌ها نیز باید گفت حاکمان فاتح عرب بیش از نیم‌قرن از طرح سکه‌های ایرانی استفاده می‌کردند که به سکه‌های عرب ساسانی معروف‌اند. قدیمی‌ترین مهر اسلامی، همانا مهر حضرت محمد (ص) است که با سجع «محمد رسول الله» مزین نامه‌های آن زمان بوده و شرح آن در «تحفه خطاطین»^۲ آمده است. ابن خلدون نیز در این باره می‌نویسد: «پیغمبر می‌خواست نامه‌ای به قیصر بنویسد به وی گفتند مردم غیرعرب نامه‌ای را که مهر نشده باشد نمی‌پذیرند. از این رو پیامبرانگستری از سیم برگزید و بر روی نگین آن نگاشت «محمد رسول الله» و بدان نامه‌ها را مهر کرد... پس از پیامبر ابوبکر و عمر و عثمان بدان مهرنامه‌ها را مهر می‌کردند ولی پس از چندی این مهر از دست عثمان در چاه اریس (در مدینه) فرو افتاد و مهر دیگری نظیر آن ساخت.»

کتاب «نوروز نامه» حکیم عمر خیام نیشابوری (وفات ۵۱۷) که از روی نسخه قدیمی در سال ۱۹۲۶ و در مسکو به چاپ رسیده، در ص ۱۳۷ آن چنین آمده است:

«انگشتر زینتی است سخت نیکو بایسته انگشت، و نخستین کسی که انگشتری کرد و به انگشت درآورد، جمشید بود و چنین گفته‌اند که انگشت بزرگان بی‌انگشتری چون نوری است بی‌علم و انگشتری مر انگشت را چون علم است مر میان را و میان با کمر نیکوتر آید. و پیغامبر (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) انگشتری به انگشت اندر آورد و نامه‌ها که فرستادی بهر ناحیتی به مهر فرستادی. سبب آن بود که نامه او بی‌مهر چون سر بی‌کلاه بود و سر بی‌کلاه انجمن را نشاید و چون نامه مهر ندارد، هر که خواهد، برخواند و چون مهر دارد، آن کس خواند که بدو فرستاده باشند و خردمندان گفته‌اند که تیغ و قلم، هر دو خادمان انگشتری ملک‌اند... نامه بزرگان بی‌مهر از ضعیفی رأی و سست عزمی بود و خزانه بی‌مهر از خواری و غافلگی.»

باید متذکر بود که در اسطوره‌های ایرانی بعد از اسلام سلیمان و جمشید تخلیط شده‌اند گویند برخاتم سلیمانی اسم اعظم الهی نقش بود و قدرت سلطنت و سلطه سلیمان بر انس و جن به خاطر آن انگشتر بود. اصولاً چون پایان هر نامه‌ای را با مهر خاتم (انگشتری) مزین و امضا کرده‌اند، آن واژه به مرور به معنی «پایان بردن» رواج یافت و نام پیغامبر به عنوان خاتم پیامبران یا انگشتری و مهرکننده و پایان‌دهنده‌ی سلسله پیامبران به کار رفته است.

با ورود اسلام تصویر از مهرها و سکه‌ها که متداول پیش از اسلام بود حذف و حکاکی خطوط مختلف رونق بیشتری یافت. خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب تنسوخ نامه ایلخانی صفحه ۶۳ که با تعلیقات آقای مدرس رضوی به چاپ رسیده مطلبی را نقل می‌کند که موید این سخن است: «آورده‌اند که در خزانه سلطان علاءالدین یک پاره زمرد ریحانی بوده است شکل آن مربع و روی ممسوح و بی‌عیب در غایت کمال صورتگری. و در زیر تخت صورت دو شیر کرده، و بر دو جانب تاج شاه، صورت دو مرغ، و آن صورت‌ها را (جامه‌گری کرده و موی) به غایت خوب کرده، و گزارده کرده که مثل او از موم نتوان کرد، و ممکن که بیست مثقال از آن کم کرده باشند تا آن صورت‌ها را توان انگیخت. و آن پاره زمرد به آن شکل مربع ممسوح، بدان راستی، از آن نتوان کرد، زیادت از صد مثقال باید که بوده (باشد) تا صورت آدمی و روی مرغان و شیران حک کرده باشند. استادی را فرمود که روی آن صورت بار دیگر چنان که در اول بوده باشد توان کرد؟ و به عتاب به استاد گفته که این صورت لایق شعار اسلام نیست و در ملت پیغامبر ما (ص) صورت حرام است، خاص با خود داشتن و این صورت مثل

بت است و به گمان آن را در دیار اسلام نساخته‌اند. همان اولی‌تر که بر روی، کلمه لااله الاالله و محمد رسول الله که مفتاح همه خیرات است، و سرمایه نجات ابدی. تیمن و تبرک، آن را ببايد نوشت. تا بعد از دورها تذکره باشد، چه مثلی مشهور است: کالنتقش فی الحجر»

در دوره عباسیان برای مهر زدن مهر را در گل سرخی که در آب حل می‌شد (احتمالاً گل آخرا) فرو می‌بردند و به آن «گل مهر» می‌گفتند و در دوره ایلخانان مهر را به زبان مغولی «تمغا» می‌نامیدند و اگر با آب طلا منقوش می‌کردند به آن «آلتون تمغا» و چنانچه نقش آن با شنجرف یا مرکب سیاه بود به آن «آل تمغا» و «قراتمغا» گفته می‌شد.

در زمان سامانیان نامه‌ها را در کیسه‌ای به نام «خریطه» می‌گذاشتند و سرکیسه را مهر می‌کردند و این مهرها را «مهر اُسکدار» (مهر چپاری) می‌گفتند که در تاریخ بیهقی فراوان از آن نام برده شده است. به نوشته دکتر قائم مقامی در منشآت خطی به شماره ۶۲۹۳ کتابخانه ملک از یازده مهر دیوانی در دوره‌ی صفوی یاد شده است. در تمام این دوران منصب مهرداری از شغل‌های حساس به شمار رفته و مهرداران همواره مورد احترام همگان بوده‌اند. همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، مشهورترین حکاکان ایران همانا محمدطاهر، حکاکباشی آستان قدس در عهدناصری است که کارهای او از نظر حکاکی، خطاطی و طراحی، شگفت‌انگیز و بس تماشایی است. (تصویر شماره ۱ آثار مرحوم محمد طاهر حکاکباشی آستان قدس). امیرمسعود سپهرم در کتاب «تاریخ برگزیدگان ایران و ادب» (ص ۵۲۳) می‌نویسد: «حاج آقا محمدطاهر در حدود سال ۱۲۶۴ یعنی اواخر سلطنت محمدشاه و اوایل سلطنت ناصرالدین شاه قاجار زندگی می‌کرده است. وی اصلاً اصفهانی بوده، ولی هم در تهران و هم در اصفهان اقامت داشته است تا بالاخره در نودسالگی در اصفهان فوت کرده و همانجا مدفون شده است. فرزند وی حاج محمدحسن و نواده‌هایش میرزا نصرالله و دیگری اسدالله و سومی میرزا اسماعیل صدرالقراء نیز به شغل اجدادی خویش مشغول بوده‌اند.»

مرحوم عبدالله مستوفی در کتاب «تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار» می‌نویسد:

«میرزا نصرالله، نواده آقا محمدطاهر که به شغل اجدادی خویش، یعنی حکاکی مشغول بود و در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه قاجار شاگرد مرحوم میرزای کلهر خوشنویس بود و از او تعلیم خط می‌گرفته است.»

می‌توان حدس زد آثاری که با امضای خلف طاهر مشاهده شده است، از کارهای او و یا یکی از فرزندان طاهر بوده است. چون مهرها را به جهت کاربردی لازم بود از چپ حکاکی کنند و آنها هویت فرد به خصوصی را گواهی می‌دادند، حکاکان آن روز مجاز به امضای اثر خود نبودند و شناسایی اثر آنها تنها با تاریخ درج شده روی مهرها و همچنین آشنایی و سپس با مقایسه شیوه‌ی خط و حکاکی به دشواری میسر است که در این میان فقط مهر شخصی خود مرحوم محمد طاهر حکاک باشی یک استثنا و سند کار هنرمندانه‌ی اوست.

وی حکاکی‌های راست را که عمدتاً آیات کریمه است، با عنوان «طاهر» و یا به ندرت «ط» امضا کرده است.

از هنرمندان دیگری که در اوج هنر حکاکی و اعتلای آن سهم بزرگی داشته و سرآمد دیگران به شمار می‌آیند، حاج میرزا حسن حکاک و حاج میرزااحسین حکاکباشی است که این دو برادر هنرمند از بستگان مرحوم محمدطاهر و اصلاً اهل شیراز بوده‌اند. مرحوم حاج میرزا حسین حکاک بنا بر نوشته شادروان دکتر بیانی در کتاب «آثار و احوال خوشنویسان» (ج ۲، ص ۱۵۱) به آذربایجان رفت و مدت ۴۰ سال در تبریز

داوری به ماهی و ماه ز نقش خاتم سلطان مظفرالدین شاه سنه ۱۳۱۴ و همچنین: (تصویر شماره ۳)

الملک لله دمید کوکب فتح و ظفر

بعون الله گرفت خاتم شاهي مظفرالدین شاه سنه ۱۳۱۴

- سجع مهر محمد علی شاه: الملک لله بتوقیع برزد

بعون الهی محمد علی خاتم پادشاهی سنه ۱۳۲۴

- سجع مهر احمدشاه: الملک لله السلطان بن السلطان احمدشاه قاجار خواست یزدان تا شود آبادملک از عدل و داد

خاتم شاهی بسطان احمد قاجار داد

سنه ۱۳۳۲ همان گونه که پیشتر اشاره شد اغلب حکاکان به چندین هنر آراسته بوده و از هنر سجع سازی و ذوق و قریحه شاعری نیز بی بهره نبودند و به فراخور و طبع متقاضی سجع مناسبی اختیار می نمودند. آنان گاه نسب فرد و گاه اعتقادات مذهبی و هنگامی عنوان و شغل افراد را ملاک کار خود قرار می دادند. در مجله سخن شماره ۳ سال ۱۳۳۱ درباره سجع مهر یک راجه هندی آمده است:

بسم الله آنکه باشد کلب سلطان خراسان شاهرخ بر درش ساید همی

هر روز و هر شب ماهرخ کریمخان: یا من هو رجاه کریم

آقا محمد خان قاجار: افوض امری الی الله عبده محمد

- سجع یکی از مهرهای فتحعلیشاه: گرفت خاتم شاهی ز قدرت ازلی

قرار در کف شاه زمانه فتحعلی

- سجع مهر نایب السلطنه عباس میرزا: در دریای خسروی عباس

- سجع مهر محمد شاه: الملک لله محمد شاه غازی صاحب تاج و

نگین آمد شکوه ملک و ملت رونق آئین و دین آمد.

محمد شاه در سال ۱۲۵۵ هجری نیز برای اولین بار مهری با نقش

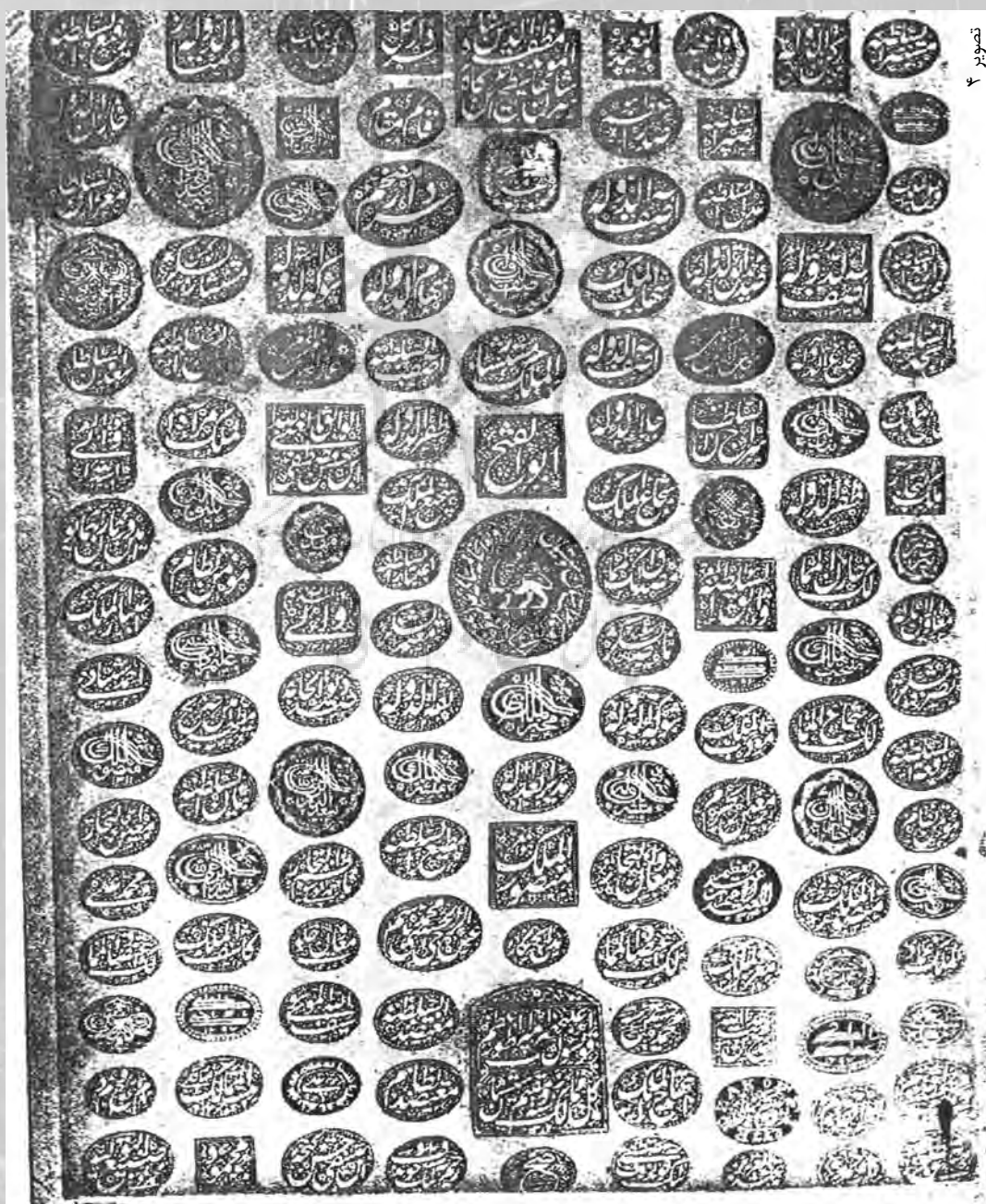
شیر و خورشید انتخاب نمود.

- سجع یکی از مهرهای ناصرالدین شاه: الملک لله تعالی تا که دست

ناصرالدین خاتم شاهی گرفت صبت داد و معدلت از ماه تا ماهی گرفت

سنه ۱۲۶۴. (تصویر شماره ۳)

- سجع مهر مظفرالدین شاه: الملک لله تعالی رسید صبت جهان



تصویر ۶

جای بسی خوشحالی است که این شیوه و سبک بعدها توسط استادانی پیگیری شد و ترکیب‌بندی و قرینه‌سازی جایگاهی ویژه در خطوط خوشنویسان معاصر یافته است و ادامه راه هنرمندان حاکم پس از منسوخ شدن جنبه‌ی کاربردی مهر بدین صورت میسر شد. علاقه‌مندان به تماشای تصویر مهرها می‌توانند به این منابع مراجعه کنند:

- مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی^{۳۱}.

- تاریخ و جغرافیای تبریز^{۳۲}.

- آلبوم سکه‌ها، نشان‌ها و مهرهای پادشاهان ایران^{۳۳}.

برای ورود به بحث سجع‌های به کار رفته در مهرها و جایگاه آنها در فرهنگ و ادبیات فارسی باید یادآور شد که انتخاب ابیات و اشعار مناسب در مهرها ابتدا در زمان سلاطین آق‌قویونلو صورت گرفته و در سلسله‌ی صفوی از زمان شاه طهماسب مرسوم و از آن به بعد در میان پادشاهان و رجال مختلف معمول گردید. ذکر سجع مهر برخی از این پادشاهان که سنگ‌گویای سلیقه آنهاست خالی از لطف نیست.^{۳۴}

مهر امیر تیمور گورکان: «راستی رستی»، مهر جهانشاه قره قویونلو: من عدل ملک جهانشاه من ظلم هالک،

مهر ملکه بیگم خاتون زوجه جهانشاه: چو داد دولت دارین حضرت منان مباح غره بتعظیم چرخ خاتون خان، مهر اوزون حسن: الواثق الملک الرحمان حسن بن علی بن عثمان، یعقوب بیگ پسر اوزون حسن: ان الله ناصر بالعدل و الاحسان، یعقوب بن حسن بن علی بن عثمان. و سجع مهر دیگری از او در دارالسلطنه تبریز: هر آنکه جانب اهل خدا نگهدارد خدایش

در همه حال از بلا نکه دارد، یعقوب بن حسن ۸۹۲ رستم بیگ بن مقصود بن اوزون حسن: و من رزقناه مننا رزقا حسن رستم بن مقصود بن سلطان حسن، شاه اسماعیل صفوی بهادرخان اللهم صل علی محمد مصطفی و علی مرتضی و حسن رضی و حسین شهید کربلا زین العابدین محمد باقر محمد تقی علی نقی حسن عسگری محمد مهدی العبد اسماعیل بن حیدر صفوی ۹۱۴.

سجع مهرشاه طهماسب یکم در وسط: بنده شاه ولایت طهماسب ۹۴۶ و در حاشیه نام پیامبر و دوازده امام. و مهر دیگر: سلطان کشور دین طهماسب شاه عادل،

شاه عباس بزرگ: یکی از مهرهای او مهری است گلابی شکل حسبی الله در بالا بنده شاه ولایت عباس در وسط و در حاشیه: جانب هر که با علی نه نکوست هر که گو باش من ندارم دوست هر که چون خاک نیست بر در او گر فرشته است خاک بر سر او

شاه صفی اول و شاه عباس دوم و شاه سلطان حسین نیز مهرهایی شبیه به سجع این مهر داشته‌اند. (تصویر شماره ۳) نادر شاه: بسم الله

نگین دولت و دین رفته بود چون از جا، بنام نادر ایران قرار داد خدا نادر عصرم ز لطف حق غلام هشت و چار

لافتی الاعلی لاسیف الاذوالفقار

شاهرخ شش مهر داشته که سجع دو نمونه از آن چنین است:

نظام یافت بلطف جناب مرتضوی

ز شاهرخ به جهان دین و دولت صفوی ۱۱۶۰

تصویر شماره ۳



مهر شاه سلطان حسین



مهر شاه نادر



مهر مظفرالدین شاه قاجار



مهر ناصرالدین شاه قاجار



در شاهوار



نقشش انقبس فی بود عفت مدار	یاد ایامی که بود این مخرموا است بار
کراد ایسے بود سکین تا تو انکر شیری	سج و نوع مهر هر کس شمشیرش بود
ش فلام مرد حق درین سنه تا جدار	بنده شاه ولایت بود نقش مهر سلطان
داشتند آنها در این منصب غرور و تقدیر	مهر داران سلاطین با جلال و جلال
هر کس میگردد بر سنج پیش افتاد	نام باغشون نغمی ثبت لوح مهری شد
با و عا با اسم اعظم یا ایامی شاری	مومن از بهر بزرگ نام خود حسره بیکرا
با طلسم و شرو و جدول خست بر چ مدار	نام بود سج مستردن میشد از بهر بزرگ
عبد و راجی از جمل غلب و سل استوار	بود و نیامی بنشاند مهر و است و نواضع
بر صدق و عیشین ایشم و در شاهوار	باز داشت سالها از جملین از نواضع
ماند بر لوح زمان نقشه را مانا کار	مهره از است بار افتاد و نظر گشت باطل
از صدق بدون نشانی این کوه را زلی اعتبار	مخرمی مهر از درون خجست قدرت بردن
از نظر افتاد و باطل شجسته مهر و داری	آنچه روز و روز کارکی بسچو امضا میسر بود
از نظر کا جسته بنده بر یکت شاهکار	با جسمین از نظر افتاد کان کند نامزد
عالم سنج و کاشن از دهن شوق آبکار	بست این جسمه از بهر نقضن بکلا شد

محتویات شرف میراثان نامت سنا
 پس جز در این مقام نیست دان بهار



طراز خیر غلامی عطاردی

شوار نقسرت استجاری

بسیار شکر و سپاس از جناب عالی که در این مقام شرفی فرمودند و در این مقام شرفی فرمودند

یک راجه از یک حکاک شیرازی که گذارش به هند افتاده و کارش به سختی کشیده بود خواست که از برای او مهری بسازد و در سجع مهری که یک بیت شعر باشد نام شاه و بانوی او و دامادش و وزیرش (میرزا) و غلام مخصوصش (مبارک) و خانه‌اش (گرمه) و درخت سنجدی را که در جلوی تالار بارش بود با یک آیه قرآن، همه را بگنجانند. سجع مهری که حکاک تعبیه کرد این بود:

داماد شاه و بانو میرزا مبارک

گرمه درخت سنجد قل اوحی تبارک

تحقیق در زمینه سجع مهرها روشنگر نکات تاریک تاریخ است که سجع‌های مختلف و متداول گذشته گواه این مدعاست:
بر فرق فلک فکنده مسند

تاج سر انبیا محمد

ز مشرق تا به مغرب گرامام است

علی و آل او ما را تمام است

تا بود بر اوج گردون مشتری

عمر بادا صاحب انگشتی

خدایا چو بر نیتم آگهی

چو نیت به خیر است خیرم دهی

چو روز قیامت بلرزد جسد

محمد به فریاد اصغر رسد

خداوندا در توفیق بگشای

نظامی را ره تحقیق بنمای

یمین دولت شه آفتاب چرخ وجود

یگانه گوهر دریای خسروی مسعود

طیب درد دو عالم محمد است و علی، دارد امید شفاعت ز محمد عباس، اختر برج حیا زینب، ز بعد محمد علی اکبر است، چراغ شبستان دلها علی است، جهان پر ز احسان لطف علی قمر روشنی بخش شیهای تار، رونق اسلام ز فتح علی است، شرف یافت نامم ز نام محمد سخن درباره ابزار و نحوه کار هنرمندان حکاک که مورد سؤال جوانان است، خود بحثی شیرین و مفصل است که آن را به فرصت مناسب دیگری موکول و بدین تذکر بسنده می‌کنیم که جمع مهر به طرز عربی به امهار و استنتاج اسم مفعول از آن یعنی ممهور از اغلاط مشهور است. و کلمه تختیم نه به معنی مهرشناسی که به معنی نیک مهر کردن به کار رفته است.

در پایان، با تشکر از آقای کریم‌زاده تبریزی، نویسنده مقاله حکاکان و نگین تراشان و همه عزیزانی که مطالب آنها مورد استفاده این نوشتار بوده. امیدواریم این مختصر توانسته باشد سکوت و غربت و مهجوری حاکم بر هنر و هنرمندان حکاک را هر چند با اندک زمزمه‌ای بشکند و زنگار فراموشی را از پس سال‌های دور از چهره‌ی هنرمندان بزرگی که الحق هنرشان گل سرسبد هنر ایرانی است زدوده باشد. یاد و نامشان جاودانه باد.

پانویس‌ها:

۱. سرمدی، عباس. دانشنامه هنرمندان ایران و جهان، ص ۱۵.
 ۲. همایونفرخ. مجله بررسی‌های تاریخی، سال پنجم، شماره ۱.
 ۳. اقتداری، احمد. آثار شهرهای باستانی بنادر خلیج فارس و دریای عمان، انتشارات انجمن آثار ملی،
 ۴. واند نبرگ، لویی. باستان‌شناسی ایرانیان باستان، ترجمه: دکتر عیسی بهنام، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۴۵.
 ۵. بیانی، شیرین. تاریخ آل جلایر، انتشارات دانشگاه تهران.
 ۶. حکمت، علی اصغر. ایرانشهر، کمیسیون ملی یونسکو، ۱۳۴۲.
 ۷. کارنوی، آ. جی. اساطیر ایرانی، ترجمه دکتر احمد طباطبایی، چاپ تبریز ۱۳۴۱.
 ۸. فریار، عبدالله. تاریخ صنایع ایران، چاپ وزارت معارف، ۱۳۱۷.
 ۹. کتاب تمدن، ص ۶۶۰.
 ۱۰. رازی، عبدالله، تاریخ کامل ایران، ص ۲۹۵.
 ۱۱. مستقیم‌زاده سلیمان افندی. تألیف سال ۱۱۷۳ هجری، چاپ ۱۹۲۸ استانبول، ص ۶۰۶.
 ۱۲. کتاب فرصت شیرازی، ص ۵۵۱.
 ۱۳. بیانی، مهدی. آثار و احوال خوشنویسان، ج سوم، ص ۷۹۲.
 ۱۴. همان. ص ۹۳۸.
 ۱۵. تحفه سامی. تصحیح همایون فرخ، ص ۲۷۲.
 ۱۶. تذکره نصرآبادی. ص ۱۴۳.
 ۱۷. سرمدی، عباس دانشنامه هنرمندان، ص ۶۵۲.
 ۱۸. آثار نقاشان
 ۱۹. حدیقه الشعراء، میرزا احمد دیوان‌بیگی و جغرافیای اصفهان
 ۲۰. آئین اکبری کتابت به سال ۱۰۰۰ هجری - صفحه ۸۶۲ دانشنامه هنرمندان
 ۲۱. قائم مقامی. انجمن آثار ملی
 ۲۲. محمد مشیری. چاپ اقبال
 ۲۳. ه. پ. ل. رابینو دی بورگوماله، به اهتمام محمد مشیری.
 ۲۴. مرجع و مبنای ما در بحث سجع مهر پادشاهان مقاله آقای رابینو در سال ۱۹۵۱ است.
- روزنامه ژورنال آزیتیک تحت عنوان «مهرها و مسکوکات پادشاهان ایران» که توسط آقای علی مظاهری در مجله یغما سال پنجم تیرماه ۱۳۳۱ و همچنین آقای طاهری شهاب در مجله وحید سال دوم شماره هشتم که با افزوده‌هایی ترجمه شده و نیز کتاب مقدمه‌یی بر شناخت اسناد تاریخی نوشته دکتر قائم مقامی بوده است.